



خلوص و عدم تعلق از آثار دعاست/ دعا‌های ائمه(ع) نور واحد است

حسین انصاریان با بیان اهمیت دعا گفت: یاران واقعی ائمه وقتی در کنار عرفان واقعی الهی نشستند، از جان و تعلقات مادی آزاد شدند. این افراد بلافاصله پس از دعوت امیرالمؤمنین(ع) و سیدالشهدا(ع) حرکت کردند.

حسین انصاریان با بیان اهمیت دعا گفت: یاران واقعی ائمه وقتی در کنار عرفان واقعی الهی نشستند، از جان و تعلقات مادی آزاد شدند. این افراد بلافاصله پس از دعوت امیرالمؤمنین(ع) و سیدالشهدا(ع) حرکت کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر، در حدیثی از پیامبر(صلی‌الله علیه و آله و سلم) در مورد فضیلت روز عرفه آمده است: «خداوند در هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان خود را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند». عرفه روزی است که درباره‌ی آن از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دین توجه و تأکید بسیار زیادی شده است. رهبر انقلاب نیز در توصیف این روز چنین فرمودند: «روز عرفه، روز دعا و استغفار و توجه است. دعای سراسر عشق و شور و سوز در روز عرفه، که سیدالشهداء امام حسین(علیه‌السلام) در مراسم عرفات انشاء فرموده است، نشان‌دهنده آن روحیه شیدائی و عشق و شوری است که پیروان اهل بیت در یک چنین ایامی باید داشته باشند. این ایام را قدر بدانید. فرصت مال شماست...» به مناسبت فرارسیدن روز عرفه با حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان، درباره برخی از ویژگی‌های این دعا به گفت‌وگو نشستیم.

*تفاوت‌های دعای عرفه نسبت به سایر ادعیه ماثور از ائمه معصومین(علیهم‌السلام) چیست و چرا بسیاری از بزرگان تأکید فراوانی بر این دعا و توجه به مفاد آن دارند؟

اگر بخواهیم به دید اعتقادات شیعی به ادعیه نگاه بیندازیم و از روایات و آیات هم برای همین منظور کمک بگیریم، باید گفت که دعاها نور واحد هستند؛ چراکه اولاً همه‌ی دعاها به انسان‌ها تعلیم چگونه دعا کردن را می‌دهند. انسان‌ها نمی‌دانند چگونه دعا کنند و نمی‌دانند از خداوند چه بخواهند، اما صاحبان این دعاها آگاه به شهود و غیب و ظاهر و باطن انسان بودند و می‌دانستند انسان توان بیان دعایی که او را به نقطه‌ی قبولی حضرت حق برساند، ندارد. انسان‌ها گاهی ممکن است دعا کنند، اما چیزی را بخواهند که به مصلحت آن‌ها نیست یا چیزی را بخواهند که دنیا ظرفیت تحقق آن را ندارد. در بعضی موارد نیز چیزی را مسئلت می‌کنند که در نهایت امر، نه به نفع خود آن‌هاست، نه به نفع خانواده‌شان و نه اطرافیان آن‌ها. به همین دلیل، باید بگوییم که تمامی ادعیه‌ی معصومین در این نقطه اشتراک دارند که هدف تمامی‌شان، تعلیم کیفیت دعا کردن و کیفیت رابطه با پروردگار است.

کارکرد دیگر تمامی دعاها نیز از این قرار است که به‌شکل عجیبی به انسان امید می‌دهند و جلوی دلسردی را نسبت به خدا، قیامت و آینده می‌گیرند. دائماً به انسان کمک می‌دهند به سمت حق تعالی، شئون حق تعالی و شناخت مراتب حق حرکت کند.

مایه‌ی حقیقی دعا با قلب و جان و فکر اهل‌بیت عجین بوده و گویی پروردگار عالم، انتقال حقایق عالم را میان آن‌ها تقسیم‌بندی کرده است. مثلاً یکی از آن‌ها از وجودش دعای کمیل، دیگری دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، دیگری دعای عرفه و دیگری دعای پس از زیارت امام رضا علیه‌السلام (که از بهترین دعا‌های شیعی است) را ظهور داده است. بنابراین این دعاها یک نور هستند، اما از چهارده چراغ ظهور کرده‌اند. تمایز آن‌ها نیز متعلق به دعا نیست، بلکه متعلق به آن چهارده نفر است که از نظر زمان با یکدیگر تفاوت داشته‌اند، نه از نظر مرتبه‌ی حقیقت. به عبارت دیگر، رسول گرامی اسلام نسبت به سایرین مقدم بوده است (به‌لحاظ زمانی) و پس از ایشان امیرالمؤمنین، صدیقی کبری و... به‌ترتیب آمده‌اند. این نوبت تمایز را نشان می‌دهد و تفاوتی در هویت وجود ندارد. در روایات نیز داریم که «کلهم نور واحد»، اما با اختلاف در زمان و مناسبت‌ها و ملت‌ها.

کارکرد دیگر تمامی دعاها نیز از این قرار است که به‌شکل عجیبی به انسان امید می‌دهند و جلوی دلسردی را نسبت به خدا، قیامت و آینده می‌گیرند. دائماً به انسان کمک می‌دهند به سمت حق تعالی، شئون حق تعالی و شناخت مراتب حق حرکت کند.

اما زمانی که نوبت به حضرت سیدالشهدا رسیده است، ایشان مفصل‌ترین دعا را در بهترین مکان جهان (در صحرای عرفات) خواندند. مقدمه‌ی این دعا را هیچ دعایی ندارد و آن‌هم تشریح بدن انسان است. امام حسین علیه‌السلام برون و درون انسان را به‌لحاظ جسمی تشریح می‌کنند و اگر دعاخوان واقعی این دعا را بخواند، با خواندن آن گره به خالق می‌خورد و وارد عرصه‌ی شکر و توبه می‌شود. دعاخوان با مقدمه‌ی این دعا درمی‌یابد که با وجود این همه هزینه از سوی خداوند برای خلق چنین موجودی، چرا این‌قدر محدود، گنهکار و ظالم از آب درآمده‌ام؟ زمانی که انسان دعا را عمیق بخواند، تغییر عمده در او ایجاد می‌شود.

*معارف دینی مورد نیاز برای تعالی روح انسانی چگونه در این دعا گنجانده شده است؟

بخشی از این دعا که با «انت الذی» آغاز می‌شود، به اصلاح اعتقادات انسان می‌پردازد تا او را به نقطه‌ی توحید برساند. می‌خواهد به انسان بگوید که درمان، دنیا و آخرت تو نه در دست پول، نه در دست قدرت، نه در دست داخلی و نه در دست خارجی است و کلیددار عالم تنها یک نفر و آن‌هم پروردگار است. پروردگار نیز کسی است که اباعبدالله او را با کارهای خود به انسان شناسانده است: تویی که مرا پوشاندی، تویی که مرا سیراب کردی، تویی که مرا سیر کردی، تویی که مرا از تنهایی درآوردی و همین‌طور تویی که از درون من، مرا به خودت و انبیایت هدایت کردی.

در اینجا هم اباعبدالله بحث اعتقادی را به‌صورت کامل ارائه می‌دهد و هم اگر انسان این نوع صحبت کردن را بفهمد، برایش تلطیف روح ایجاد می‌شود. لذا آن‌هایی که اهل دعا هستند، زمانی که جملات این دعا را می‌خوانند، نمی‌توانند از گریه خودداری کنند. انسان می‌بیند که وجود حضرت سیدالشهدا با پروردگار عالم طوری حرف می‌زند که روحیه‌ی خواننده و شنونده را تلطیف می‌کند و جلوه‌ی رحمانی خداوند را از عمق وجود انسان تجلی می‌دهد.

*چرا ائمه اطهار(علیهم‌السلام) راه دعا را برای انتقال عالی‌ترین مفاهیم دینی انتخاب کرده‌اند؟

چون نفوس همه‌ی انسان‌ها نیازمند دعاست و سرتاپای انسان‌ها «خواسته» است و می‌خواهند. اما راه اصلی را گم کرده‌اند. انسان همواره علم و قدرتی می‌خواهد که در دنیا نمونه‌ای نداشته باشد و وجود اباعبدالله علیه‌السلام خواسته‌ها را در نفوس مردم اصلاح کرده است؛ چراکه نفوس مردم با دعا عجین است؛ چه بر زبان خود دعا کنند و چه در فکر خود. همین که در درون خود بگویند «می‌خواهم» دعاست. عباراتی مانند «می‌خواهم برسم»، «می‌خواهم بهترین باشم»، «می‌خواهم پولدارتر از همه باشم» و... همگی دعاست. اباعبدالله تنها می‌گوید که این دعا در درون خودت است و خمیرمایه‌ی آن در خودت وجود دارد و اگر بخواهی، کسی حق ندارد جلوی تو را بگیرد، اما راه درست خواستن این است.

این موضوع (انتقال معارف از طریق دعا) مانند این است که ایرانی‌ها با شعر بسیار مأنوس هستند و از کودکی شعر می‌آموزند. انسان‌ها نیز «دعایی» هستند. ائمه‌ی ما از این مایه‌ی الهی که در درون مردم وجود دارد، به نفع مردم بهره‌برداری کرده‌اند و راه را به آن‌ها نشان داده‌اند. آن‌ها می‌دانستند انسان‌ها از دعا رو برگردان نیستند. من خودم در حال بازگشت از لندن بودم که در هواپیما به دو نماز برخوردار هواپیما گفتم که می‌خواهم نماز بخوانم. او نیز مقدمات نماز (زیرانداز، مهر، جهت قبله و...) را برای من آماده کرد. پس از خواندن نماز صبح بود که یک خانم بدحجاب از من پرسید شما بودید که دیشب نماز خواندید؟ گفتم بله. گفت ما خیلی بدبخت هستیم، شما که با خدا ارتباط دارید برای ما دعا کنید. ائمه‌ی معصوم این را می‌دانستند که دعا با نفوس مردم عجین است و این راه را انتخاب کردند. سایر ادیان نیز از راه دعا استفاده کرده‌اند. مسیحی‌ها، زرتشتی‌ها، کلیمی‌ها و... نیز دعاهایی دارند. ائمه می‌دانستند که اگر انسان را با دعا راهنمایی کنند، خیلی آسان‌تر معارف را می‌پذیرند.

حضرت سیدالشهدا مفصل‌ترین دعا را در بهترین مکان جهان (در صحرای عرفات) خواندند. مقدمه‌ی این دعا را هیچ دعایی ندارد و آن‌هم تشریح بدن انسان است. امام حسین علیه‌السلام برون و درون انسان را به‌لحاظ جسمی تشریح می‌کنند و اگر دعاخوان واقعی این دعا را بخواند، با خواندن آن گره به خالق می‌خورد و وارد عرصه‌ی شکر و توبه می‌شود. برای مثال، در همین روز عرفه به مردم اعلام کنند که یک مجتهد بزرگ می‌خواهد یک بحث اخلاقی ارائه کند. اگر تنها همین سخنرانی باشد، سی نفر هم نمی‌آیند، اما اگر به آن‌ها بگویید مراسم دعاست، آن‌وقت است که مردم چند ساعت پیش از شروع مراسم حاضر می‌شوند و حتی خیابان‌ها را پر می‌کنند. این موضوع به این دلیل است که نفس انسان با دعا گره خورده، اما با منبر خشک‌وخالی گرده نخورده است.

*رهبر انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود اشاره کرده‌اند که در میان ادعیه‌ی ماثور از معصومین، سه دعای کمیل، مناجات شعبانیه و دعای عرفه از محبوبیت بیشتری برخوردارند و هر سه این دعاها نیز از ائمه‌ای رسیده‌اند که جهاد و قتال آن‌ها نیز زیاندار است. بنابراین چه رابطه‌ای میان اوج بندگی و جهاد در راه خدا وجود دارد؟

زمانی که اصحاب سیدالشهدا و اصحاب امیرالمؤمنین (مانند مالک اشتر و عمار یاسر) را تصور کنیم و در نظر داشته باشیم که آن ۷۲ نفر از تمام وجود خود گذشتند و امام باقر علیه‌السلام نیز فرمودند که آن چهل نفر در جنگ صفین شیعه‌ی ناب پدرم بودند، باید به این سؤال پاسخ دهیم که آن‌ها به چه خلوصی رسیده بودند که غیر خدا را نمی‌دیدند و جز او به چیزی پیوند و تعلق نداشتند؟ این خلوص و عدم تعلق، از آثار این دعاهاست. این افراد زمانی که کنار عرفان واقعی الهی نشستند، از جان و تعلقات مادی آزاد شدند. این افراد بلافاصله پس از دعوت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا، بدون کمترین تعللی، حرکت کردند و گفتند: جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم.

این افراد چنان از خود گذشته بودند که شب عاشورا، حضرت سیدالشهدا به بشیر حضرمی فرمودند که به من خبر رسیده است پسر تو را اسیر کرده‌اند و من تو را آزاد می‌گذارم که تک‌پسر خودت را آزاد کنی و همسرت را نیز از نگرانی درآوری. بشیر حضرمی عرض کرد که یا بن‌رسول‌الله اگر مرا پابرنه در تمام زمین بدوانند که از تو جدا شوم، این کار را انجام نخواهم داد. این کمال آزادی و عرفان نفس است که صحابه نیز از احوال، اعمال و اطوار امیرالمؤمنین و سیدالشهدا کسب کردند. شاگردان خوبی برای آن‌ها بودند و خیلی خوب درس گرفتند.

*پس چرا عده‌ای اینور تصور می‌کنند که اگر کسی در راه تقرب به خداوند قرار می‌گیرد، باید گوشه‌نشین شود و نباید وارد جهاد در راه خدا شود؟ چه رابطه‌ای میان جهاد و بندگی خداوند متعال وجود دارد؟

جهاد حکم قرآن است. این روح عبودیت است که رشته‌ی بسیار بالای آن، جنگ در راه خداست. زمانی که خدا مالک من است و من هیچ‌کاره‌ام و مالک به مملوک می‌گوید که دین من در گرو جهاد و قتال توست، چه پاسخی می‌توانم بدهم؟ به‌خصوص زمانی که این مالک را اباعبدالله و امیرالمؤمنین به‌خوبی معرفی کرده‌اند. جهاد و قتال یکی از مراحل عالی بندگی است. زمانی که می‌گوید: «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»، عمل کردن به امر خدا عبادت می‌شود و کسی که جان خود را می‌دهد، بالاترین عبادت را انجام داده است. همچنین است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»؛ به مردم یاد داده است که من خریدار جان تو هستم و ثمن جان تو نیز «جنت» نیست، بلکه «جنت» است. ما نیز نمی‌دانیم تفاوت جنت و جنت چیست. پیدا نیست که جنت در برابر جنت چه معنایی دارد. زمانی خدمت حضرت امام رحمه‌الله‌علیه رسیدم و ایشان فرمودند که منظور از «جنتی» در آیه‌ی «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي»، «جنت لقاء» است و برای ما مفهوم آن پرده‌برداری نشده است.

*استاد، مبتنی بر مفاهیم موجود در دعای عرفه، چه توصیه‌ای به مردم دارید تا به بهترین شکل از آن استفاده کنند؟

اگر یک تفسیر خلاصه با زیباترین انشا و بهترین مطلب از عرفه به دست بیاید و در کل کشور منتشر شود یا اینکه چند روز مانده به برگزاری دعای عرفه، افراد خوش‌ذوقی در صداوسیما فرازهای این دعا را تشریح کنند، برای مردم فایده‌ی بسیاری دارد. خوب است مردم نیز قبل از عرفه، با پروردگار عهد کنند که تا عرفه بهترین بهره را از معلمی اباعبدالله بگیرند و تا آخر عمر آن را به کار ببرند تا با بازگشت از این عرصه، به عنصری بسیار مهربان برای خانواده و مردم تبدیل شوند؛ عنصری که در برابر ستمگران مانند کوه و در مقابل مؤمنان، مهربان است. به تعبیر قرآن کریم «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ».

*منبع: <http://farsi.khamenei.ir>